

۱

الف. درست

ب. نادرست

پ. نادرست

۲

المَسْجِد: مَكَانُ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ

إِثْنَا عَشَرَ: عَدَدُ شُهُورِ السَّنَةِ

الْحَمِيس: الْيَوْمُ الَّذِي يَأْتِي بَعْدَ الْأَرْبَعَاءِ

الْعِلْم: أَفْضَلُ مِنَ الْعِبَادَةِ

الْمُعْجَم: كِتَابٌ لِيُشْرِحَ مَعَانِيَ الْكَلِمَاتِ

۳

الف. كَتَبْنَا

ب. سَتَكْتُبِينَ

پ. كَتَبَ

ت. نَذَهَبُ

۴

الف. نگاه میکند / ستیز

ب. خواهم شد / پیشرفت

پ. ساده ت. رسیدند

۵

الف. گزینه ۲

ب. گزینه ۴

پ. گزینه ۱

ت. گزینه ۲

ث. گزینه ۲

۶

أَتَى = جاء (آمد)

مِهْنَةٌ = شغل

بَيْت = منزل

بَارِد (سرد) # حَارٌّ (گرم)

حُسْن (خوبی / خوب) # سُوء (بدی / بد)

۷

الف. گزینه ۱

ب. گزینه ۲

پ. گزینه ۲

۸

الف. پاسبانی می کند / ثروت / پاسبانی می کنی

ب. محصول [نتیجه] / مدارای

پ. آمدید / مأموریت اداری [است]

ت. راه بهشت / می گردم

۹

الف. نَصَرْتُمَ: ماضی

ب. شَاهَدَ: ماضی

پ. سَيَصْنَعُ: مستقبل (آینده)

۱۰

الف. واقِفُونَ

ب. الأبصار

پ. الشارع

ت. جَلِيسُ السَّوَاءِ

۱۱

الف. اسب کوچک سخن مادرش را می فهمد.

ب. من کتابفروشی را دوست دارم، چرا که کتابها گنج هستند.

پ. نهایت عقل، اعتراف و اقرار به جهل و نادانی است.

ت. مسلمان کسی است که مردم از زبان و دستش درآسایشند.

ث. مادرم غذای خوشمزه ای خواهد پخت و ما آن را خواهیم خورد.

ج. غریب و تنها کسی است که دوستی ندارد.

چ. و ما از آب هر چیز زنده را قرار دادیم [و در بعضی ترجمه ها: و ما از آب هر چیز را زنده قرار دادیم].